



جایگاه پرورش در فعالیت‌های اسلامی

مؤلف: محمد قطب
ترجمه: اهدا ویسی

نور



سرشناسه: قطب، محمد. Qutb, Muhammad

مکانه التربية في العمل الاسلامي. فارسي

مکانه پرورش در فعاليت‌های اسلامي/ مؤلف محمد قطب؛

مترجم زاهد ويسي

تاریخ: تهران، ۱۳۹۵

شماره صفحات: ۱۴۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۰۰۱

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: اسلام و آموزش، پرورش -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها

شناسه افزودن: ویس، زاهد و یس، مترجم.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵: ۳۰/۱۸/ق۶م۶۴۱ BP ۷۰۴۱

رده‌بندی دیویی: ۴۸۳۷/۲۹۷

شماره کتابشناسی: ۳۵۱۹۹۷۴



جایگاه پرورش در نهالیتهای اسلامی

مؤلف: محمد قطب

مترجم: اهد رومی

ناشر: نشر انسان

چاپخانه: چاپ مرآت

نوبت چاپ: اول، ۹۵

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۰۷۱-۰

فهرست مطالب

۹	مفاهیم مترجم
۱۱	مقدمه
۱۵	چند پرسش
۵۱	حوزه‌های نیازمند تمرکز
۵۱	۱- اخلاص برای خدا
۶۲	۲- شوری
۷۲	۳- اخلاقیات
۷۷	أ. تعامل مالی
۸۰	ب: سایر تعاملات
۸۷	حوزه‌های نیازمند توجه
۸۷	۱- آگاهی سیاسی و آگاهی حرکتی
۱۱۰	۲- مثلث باز دارنده از قیام
۱۱۹	بازگشت اسلام

مقدمه‌ی مترجم

برای بررسی جایگاه پرورش، نخست باید معنایی از این اصطلاح کلیدی را به دست داد تا بتوان بر اساس آن تعیین نمود که جایگاه واقعی پرورش در فعالیت‌های اسلامی چه اندازه است. زیرا گاهی در اثر عدم تشخیص درست، این امکان وجود دارد که امر فرعی را غایب‌های در جایگاه واقعیت و حقیقتی اصلی و متنی قرار گیرد! این است که گاهی از زبان برخی از فعالان حوزه‌های دینی اوصافی نظیر بحران، قاجعه و ... را درباره‌ی بعضی از سال و موضوعات می‌شنویم که بیش از آن‌که کلمه‌ی بحران برای آنها مناسب باشد، مراد از کلمات ساده‌تری نظیر «مسئله»، «مشکل» و یا الفاظی شبیه اینها را به کار برد؛ زیرا واقعیت این است که بار معنایی کلمات، و مفهومی که در بردارند، گاهی تعیین‌کنندگی بیش و نگرش حوزه یا جمعی است که آن کلمه یا عبارت را به کار می‌بندند.

پرورش نیز یکی از این مفاهیم و مصطلحات است که معمولاً آن به سادگی آن را به کار برد و از مفهومی که در بردارد غافل بود. بر این اساس، بیشتر می‌رسد تعریف ما از پرورش، می‌تواند تا حدی زیاد، بیش و نگرش ما را از نیت اصلی بزرگو کند. بر اساس تعلیم حکیمانه‌ی احیاگری در روزگار ما، پرورش یعنی «تربیت انسان‌هایی که مسئولیت عقیده‌ی خود را بر دوش بگیرند.»

اگر این تعریف را پایه قرار دهیم و از آن مایه بگیریم، می‌توان به جایگاه و پایگاه پرورش در فعالیت‌های اسلامی پی برد و نقش و سهم آن را در هر گونه اقدام یا عمل و کنش دریافت و به این ترتیب، بسیاری از تصورات و پندارهایی که اکنون در ذهن برخی از افراد متدین یا افراد نامعتقد به دین درباره‌ی پرورش وجود دارد، خودبه‌خود از

میان خواهد رفت. برای نمونه، برخی از افراد بر این باورند که پرورش امری مقطعی است و نیازی نیست که آن را تا این حد فربه و انبوه ساخت. برخی دیگر بر این باورند که پرورش، یعنی تربیت افرادی هم‌سو با افکار و عقایدی که در یک جناح یا گروه دینی به عنوان پایه‌ی فعالیت انتخاب شده است. و ...

واضح است که با پایه قرار دادن این تعاریف جایگاه پرورش، مقطعی و محدود خواهد بود و نمی‌توان بر اساس آن قاعده‌ای عام را برای فعالیت‌های دینی بنا ساخت. ما با پایه قرار دادن تعریف آن حکیم دلسوز، پرورش، به هیچ وجه امری «زمان‌مند»، «مکان‌مند» «تطبیعی»، «محدود»، و ... نیست بلکه، قاعده‌ای عام، فراخ، فراگیر، و گسترده است که هم‌هی پندار، گفتار، کردار، و امید و آمال فرد دین‌ورز را در برمی‌گیرد و اساسی برای توفیق و مقبولیت فعالیت‌ها قرار می‌گیرد. به طوری که هر نوع عمل و اقدام و حتی فکر و اندیشه‌ای که بر اساس مبنای پرورشی نباشد، ارزشی دینی نیست و شان آن در «عادت»، به سطح «عادت» تقلیل پیدا می‌کند. در حالی که بر مبنای پرورش، حسن اقامت‌های فرد یا جماعت دینی، از لحاظ صوری و در مقایسه با سایر افراد و یا جماعت‌های غیردینی، اندک و ناچیز باشد، اما برکات و ثمرات آن، با آنها قابل مقایسه نیست.

کتاب حاضر، اثر مرد صمیمی و عزیزی است که در تکاپو بود تا جان ما مسلمانان را با مفهوم پرورش، عبد صالح، اسوه، و ... آشنایان و قلب تنهاشده‌ی ما را با نسیم نفس گرم دین بناوزد. توفیق ترجمه‌ی آن نیز رفیق ما گشت و نشر احسان بی‌هیچ مُرد و منتی پذیرفت آن را به دست چاپ و نشر بسپارد. ضامن‌های مغفرت برای مرحوم محمد قطب، برای عزیزان دست‌اندرکار این نشر نیز دعا، سیر و توفیق می‌کنیم. درخواست ما آن است که خوانندگان ارجمند نیز در لحظاتی که حالی خوش و خرم دارند، در دعای خیر خویش ما را نیز یاد کنند تا بر اساس پرورش دینی گام برداریم و قلم بر کاغذ بگذاریم.

مرگ بس باشد که اندر زت دهد:

زاهد ویسی

مقدمه‌ی مؤلف

هنگامی که ندای ضرورت اهتمام به پرورش اسلامی را در فعالیت اسلامی سر می‌دهیم، برای برخی از مردم پرسش‌هایی ایجاد می‌شود که: منظور از پرورش چیست؟ تا چه زمانی پرورش انجام می‌دهیم؛ بدون آن که عمل کنیم، یا قبل از آن که عمل کنیم؟

دست‌های از مردم نیز می‌گیرند: اندازه‌ی کافی پرورش یافته‌ایم. حال باید بعد از آن در جست‌وجوی اموری باشیم که با ما انجام دهیم.

حتی برخی از مردم گفته‌اند: فعالان حوزه‌ی پرورش چه فایده‌ای دارد؛ وقتی که دشمنان، افراد پرورش یافته‌ی ما را دستگیر می‌کنند، زندانی می‌نمایند، می‌کشند، یا محاصره می‌نمایند.

و به این صورت تلاشی را که برای پرورش آنها به خرج دادیم، تباه می‌شود؟! این صفحات را برای پاسخ‌گویی به چنین پرسش‌هایی نوشته‌ام. نیز برای آن که اهمیت پرورش در فعالیت اسلامی، اهمیت استمرار آن، و اینکه پرورش یک کار پیوسته است و نه در زمان خاصی متوقف می‌شود، نه در مکان معینی.

همچنین خواسته‌ام در این صفحات به برخی از حوزه‌های پرورشی اشاره کنم که به نظرم یا از اهتمام کامل برخوردار نشده‌اند، و یا اساساً مورد اهتمام قرار نگرفته‌اند تا آنها را مورد اهتمام قرار دهیم.

شایان ذکر است که سخن من در این صفحات، برای بحث درباره‌ی روش‌های عملی در حوزه‌ی پرورش نیست. بلکه صرفاً برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های نامبرده‌ی

پیشین است. بحث در باره‌ی ابزارهای عملی/کاربردی نیز بحثی مستقل، و میدانی باز برای جهد و کوشش است که هر کس توان و استعداد آن را در خود بیابد، در آن زمینه کوشش می‌کند. اما پیش از هر چیز باید بدانیم که مطلوب، چیست، تا در باره‌ی ابزارهای عملی ساختن آن مطلوب، بحث کنیم.

همچنین باید خاطر نشان کرد که مرجع من در باره‌ی بحث از جایگاه پرورش در فعالیت اسلامی، یا جوانی که به نظر من، از اهتمام کامل برخوردار نشده‌اند، کتاب خدا، سنت رسول او ﷺ، و تلاشی است که رسول خدا ﷺ در پرورش یاران خود- خواه در مکه یا در مدینه در مدت بیست و سه سال انجام داد.

زمانی هم به پرورش از آن روش دعوت می‌کنیم، اصلاً کسی گمان نکند که ما انتظار داریم عین نما دست زدی را حاصل نماییم که آن مرتبی اعظم ﷺ به دست آورد. چون آن نسل بی سمت و تارخ تکرار نشدند؛ هر چند هیچ یک از نسل‌های مسلمانان خالی از افرادی نبود که سطح والا برسند. با این حال، روش، همان روش است و هر انسانی به اندازه‌ی ظرفیت توانایی‌ها و شرایط، و تلاشی که برای دستیابی به خرج می‌دهد، آن را به دست می‌آورد.

در اینجا مثالی را در حوزه‌ی پرورش ذکر می‌کنم که به احتمال قوی مسئله را به ذهن نزدیک‌تر می‌کند.

وزارت‌خانه‌های پرورش و آموزش در سراسر جهان، برای ترویج آموزشی و برای هر نوع آموزش، روش معینی را وضع می‌کنند. دانش‌آموز موفق به روش‌ها را در سطحی عالی فرا می‌گیرد، دانش‌آموز عادی نیز به اندازه‌ی معقول، و دانش‌آموز ضعیف نیز مردود می‌شود. در حالی که روش، برای همه‌ی آنها یکسان است.^۱

۱. این امر موجب نمی‌شود که برای دانش‌آموزان موفق برنامه‌های فوق‌برنامه گذاشته شود و به دانش‌آموزان ضعیف کمک شود تا وضعیت تحصیل آنها خوب شود.

حوزه‌ی پرورش نیز همین گونه است. یعنی برای همگان است. چون خداوند کتاب خود را برای همه‌ی بشریت نازل کرده است. رسول خدا ﷺ را نیز برای همه‌ی بشریت فرستاده است:

﴿ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا ﴾

(اعراف: ۱۵۸)

«وای مردم من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم.»

با این حال، احوال و درجات مردم متفاوت است. طوری که، برخی از آنها - پیش از هر چیز - هدایت شده، [یا] روگردان از هدایت‌اند. خود هدایت‌یافتگان نیز، همان گونه که پروردگار چه ایستاده تبيين کرده است، درجاتی دارند:

﴿ ثُمَّ أَوْرَثْنَاكَ بِدِينِ أَصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ، وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴾

(طاهر: ۳۲)

«سپس این کتاب را به آن بندگان خود که [آنان را] برگزیده بودیم به میراث دادیم پس برخی از آنان بر خرد و ستمکارند و برخی از ایشان میانرو و برخی از آنان در کارهای نیک، فرمان خدا پیشگامند و این خود توفیق بزرگ است.»

همان گونه که خداوند تعالی فرموده است:

﴿ وَلِكُلِّ دَرَجَةٍ مِمَّا عَمِلُوا ﴾

(نور: ۲۴)

«و برای هر یک [از این دو گروه] از آنچه انجام داده‌اند [در جزا] مرتبتی خواهد بود.»

بالآخره باید خاطر نشان کنم که من هنگام اشاره به برخی از جوانب که از اهتمام کامل برخوردار نشده‌اند یا اصلاً مورد اهتمام قرار نگرفته‌اند، منظورم گروه خاص یا شخص معینی نیست.

بلکه از فعالیت اسلامی، به طور کلی، و از حالتی سخن می‌گویم که باید داشته باشد. این مسئله نیز امری است که همه در آن مشارکت دارند و مسئولیت آن بر عهده‌ی همگان است.

به علاوه، هنگام اشاره به این جوانب، قصدم نادیده گرفتن جوانبی نیست که فعالان (اسلامی) در آنها تلاش چشمگیری داشته‌اند، و در آنها به نتایج محسوس و ملموس رسیده‌اند. بلکه، فقط به کامل کردن آن تلاش‌ها دعوت می‌کنم تا به اذن خداوند ثمره‌ی مورد انتظار را بدهند.

خدایا! به ما ایام کن که راه درست را بی‌وییم و از کسانی باشیم که به سخن گوش فرا می‌دهند و از بهرین آرزوی ما پیرو می‌کنند.

﴿إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْحَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

وَالَيْهِ أُنِيبُ﴾ (هود: ۸۸)

«من قصدی جز اصحاح را - معه تا آنجا که بتوانم ندارم و توفیق من

جز به [یاری] خدا نیست بی و توکل کرده‌ام و به سوی او

بازمی‌گردم.»